

Predicting high-risk behaviors based on satisfying basic psychological needs, cognitive emotion regulation and attachment styles mediated by mental vitality in female adolescents

Faezeh Mohammadi Hosseini Asl¹, Rana Saken Azari², Parviz Abdoltajedini³, Ali Naghi Aghdasi⁴

1-Ph.D Student, Department of Educational Psychology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

2- Assistant Professor, Department of Psychology, Sarab Branch, Islamic Azad University, Sarab, Iran (Corresponding Author). E-mail: R.sakenazary@yahoo.com

3- Assistant Professor, Department of Psychology, Sarab Branch, Islamic Azad University, Sarab, Iran.

4- Assistant Professor, Department of Psychology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Received: 06/01/2022

Accepted: 27/03/2022

Abstract

Introduction: Given that basic psychological needs, cognitive emotion regulation, attachment styles and mental vitality are among the factors that play a protective role in the occurrence of high-risk behaviors; therefore, predicting the underlying or eliminating factors of high-risk behaviors seems necessary.

Aim: This study was conducted to predicting high-risk behaviors based on satisfying basic psychological needs, cognitive regulation of emotion and attachment styles mediated by mental vitality in female adolescents.

Method: The statistical population of this descriptive-correlational study included all female students of the second year of high school in Tabriz in the academic year 2018-2019, from which 282 people were selected using multi-stage cluster sampling. Data were collected through Iranian Adolescents Risk-Taking Scale (IARTS), Basic Psychological Needs Scale (BPNS), Adult Attachment Inventory (AAI), Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (CERQ) and Mental Vitality Questionnaire (MVQ). Data were analyzed using path analysis method in SPSS-23 and Lisrel-8 software.

Results: There is a negative and significant relationship between high-risk behaviors with the satisfaction of basic psychological needs ($P=0.001$, $r=-0.230$), and mental vitality ($P=0.001$, $r=-0.313$) and attachment styles ($P=0.001$, $r=0.247$) there is a positive and significant relationship; while only the satisfaction of basic psychological needs ($P=0.004$) can predict high-risk behaviors due to the mediating role of mental vitality.

Conclusion: Satisfaction of basic psychological needs due to the mediating role of mental vitality has the ability to predict high-risk behaviors; these findings can be helpful in effectively preventing high-risk behaviors among female adolescents.

Keywords: High-risk behavior, Psychological need, Emotion regulation, Attachment style, Mental vitality

How to cite this article: Mohammadi Hosseini Asl F, Saken Azari R, Abdoltajedini P, Aghdasi AN. Predicting high-risk behaviors based on satisfying basic psychological needs, cognitive emotion regulation and attachment styles mediated by mental vitality in female adolescents. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry. 2022; 9 (2): 117-130. URL: <http://shenakht.muk.ac.ir/article-1-1326-en.pdf>

Copyright © 2018 the Author (s). Published by Kurdistan University of Medical Sciences. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial License 4.0 (CCBY-NC), where it is permissible to download, share, remix, transform, and buildup the work provided it is properly cited. The work cannot be used commercially without permission from the journal.

پیش‌بینی رفتارهای پرخطر براساس ارضای نیازهای بنیادی روانشناختی، تنظیم شناختی هیجان و سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری نشاط ذهنی در نوجوانان دختر

فائزه محمدی حسینی اصل^۱، رعنا ساکن آذری^۲، پرویز عبدالتاج‌دینی^۳، علی نقی اقدسی^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی تربیتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۲. استادیار، گروه روانشناسی، واحد سراب، دانشگاه آزاد اسلامی، سراب، ایران (مؤلف مسئول). ایمیل: R.sakenazary@yahoo.com

۳. استادیار، گروه روانشناسی، واحد سراب، دانشگاه آزاد اسلامی، سراب، ایران.

۴. استادیار، گروه روانشناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۰۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۱۶

چکیده

مقدمه: با توجه به اینکه نیازهای بنیادی روانشناختی، تنظیم شناختی هیجان، سبک‌های دلبستگی و نشاط ذهنی از جمله عواملی هستند که نقش محافظت‌کننده در بروز رفتارهای پرخطر دارند؛ لذا پیش‌بینی عوامل زمینه‌ساز و یا محافظت‌کننده رفتارهای پرخطر ضروری به نظر می‌رسد.

هدف: پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی رفتارهای پرخطر براساس ارضای نیازهای بنیادی روانشناختی، تنظیم شناختی هیجان و سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری نشاط ذهنی در نوجوانان دختر انجام شد.

روش: جامعه آماری این پژوهش توصیفی-همبستگی دربرگیرنده کلیه دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه مدارس دولتی شهر تبریز در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ بود که از این میان تعداد ۲۸۲ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. اطلاعات به وسیله پرسشنامه‌های خطرپذیری نوجوانان ایرانی (IARTS)، نیازهای بنیادی روانشناختی (BPNS)، تنظیم شناختی هیجان (CERQ)، دلبستگی بزرگسال (AAI) و نشاط ذهنی (MVQ) گردآوری شد. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مسیر در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ و Lisrel نسخه ۸ تحلیل شدند.

یافته‌ها: بین رفتارهای پرخطر با ارضای نیازهای بنیادی روانشناختی ($r = -0.230, P = 0.001$) و نشاط ذهنی ($r = -0.313, P = 0.001$) رابطه منفی و معنادار و با سبک‌های دلبستگی ($r = 0.247, P = 0.001$) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ درحالی‌که تنها ارضای نیازهای بنیادی روانشناختی ($P = 0.004$) با توجه به نقش میانجی نشاط ذهنی توانایی پیش‌بینی رفتارهای پرخطر را دارد.

نتیجه‌گیری: ارضای نیازهای بنیادی روانشناختی با توجه به نقش میانجی نشاط ذهنی توانایی پیش‌بینی رفتارهای پرخطر را دارد؛ این یافته‌ها می‌تواند در پیشگیری مؤثر از رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان دختر کمک‌کننده باشد.

کلیدواژه‌ها: رفتار پرخطر، نیاز روانی، تنظیم هیجان، سبک دلبستگی، نشاط ذهنی

مقدمه

ویژگی‌های نوجوانی به گونه‌ای است که وی را به سمت تجربه موقعیت‌ها و رفتارهای پرخطر رهنمون می‌سازد (استینبرگ، ایسنوگل، شولمن، برینر، چین و همکاران^۱، ۲۰۱۸). رفتارهای پرخطر^۲ رفتارهایی هستند که سلامت و بهزیستی نوجوانان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (صمیمی، حیرتی، رامس و کردتمینی، ۱۳۹۵)؛ رفتارهایی شامل کشیدن قلیان، سیگار، مصرف مواد مخدر و الکل و رابطه جنسی، شایع‌ترین رفتارهای پرخطر دوره نوجوانی را تشکیل می‌دهند (رادمهر و حسینی خانزاده، ۱۳۹۷). عوامل ژنتیکی، تأثیرات هورمونی و رویدادهای دوران بلوغ (اودوناو، بنوتو و تول^۳، ۲۰۱۳)، عوامل فردی و روانشناختی (علیزادگانی، اخوان تفتی و خادمی، ۱۳۹۶)، عوامل محیطی و اجتماعی نظیر خانواده، ضعف حمایت والدین از نوجوانان و نقش همسالان (لیوازوویچ^۴، ۲۰۱۷)، رویدادهای آسیب‌زا (واممقی، سجادی و قاعدامینی هارونی، ۱۳۹۶)، سبک‌های دلبستگی ناایمن (جوادی، زابلی و الله‌وردی، ۱۳۹۵)؛ رضائی، حسنی و نورمحمدی، ۱۳۹۸)، راهبردهای ناکارآمد تنظیم شناختی هیجان (میرزائی فیض‌آبادی، مولائی و طاهری، ۱۳۹۹) و همچنین، عدم ارضای نیازهای بنیادی روانشناختی (اسماعیلی شهناء، شالچی و احمدی، ۱۳۹۹) از جمله عوامل گرایش نوجوانان به رفتارهای پرخطر هستند.

نیازهای بنیادی روانشناختی^۵ که برای اولین بار توسط دسی و رایان^۶ تحت عنوان نظریه خود تعیین‌گری^۷ مطرح شد، دربرگیرنده سه نیاز ذاتی روانشناختی خودمختاری،

شایستگی و توانایی برقراری ارتباط بود (دسی، اولفسن و رایان^۸، ۲۰۱۷). خودمختاری به نیاز فرد به احساس انتخاب خود آغازگری در انجام اعمال و تکالیف اشاره دارد؛ شایستگی عبارت است از نیاز به مؤثر بودن در تعامل با محیط و نشان‌دهنده میل به استفاده از استعدادها و مهارت‌ها و دنبال کردن چالش‌ها و تکالیف همسو با توانایی‌ها و تسلط یافتن بر آن‌ها است و نهایتاً نیاز به ارتباط، به نیاز برای احساس اطمینان هنگام داشتن رابطه با دیگران و نیاز به پذیرش فرد به عنوان فردی شایسته عشق و احترام توسط دیگران اشاره دارد (ون‌استین کیست، رایان و سواننز^۹، ۲۰۲۰). شواهد اخیر نشان داده‌اند که در صورتی که نیازهای بنیادی روانشناختی افراد به درستی ارضا شوند، نقش محافظت‌کننده در مقابل بسیاری از آسیب‌ها و رفتارهای پرخطر را دارند (محمدی، سرافراز و قربانی، ۱۳۹۶)؛ برای مثال، لی، ژانگ، لی، ژائو، ژائو و وانگ^{۱۰} (۲۰۱۶) نشان دادند وقایع تنیدگی‌زای زندگی با رفتار پرخطر اعتیاد نوجوانان به اینترنت رابطه دارد و ارضای نیازهای روانشناختی، این ارتباط را تعدیل می‌کند. عامل مؤثر دیگری که در بروز رفتارهای پرخطر هم نقش محافظت‌کننده دارد و هم به عنوان یک عامل زمینه‌ساز مطرح است، تنظیم شناختی هیجان^{۱۱} است (میرزائی فیض‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۹) که به نحوه تفکر و تفسیر شناختی افراد پس از وقوع یک تجربه منفی و یا رویدادهای تنش‌زای زندگی اشاره دارد (گراس^{۱۲}، ۲۰۱۵). گارنفسکی و کرایچ^{۱۳} (۲۰۱۸) مؤلفه‌های تنظیم شناختی هیجان را در دو طبقه راهبردهای انطباقی و غیر

^۸- Deci, Olafsen & Ryan

^۹- Vansteenkiste, Ryan & Soenens

^{۱۰}- Li, Zhang, Li, Zhou, Zhao & Wang

^{۱۱}- Cognitive emotion regulation

^{۱۲}- Gross

^{۱۳}- Garnefski & Kraaij

^۱- Steinberg L, Icenogle G, Shulman EP, Breiner K, Chein & et al

^۲- High-risk behaviors

^۳- O'Donohue, Benuto & Tolle

^۴- Livazovic

^۵- Basic psychological needs

^۶- Deci & Ryan

^۷- Self- determinant theory

بررسی نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن با رفتارهای پرخطر رابطه منفی وجود دارد؛ در حالی که سبک‌های دلبستگی اضطرابی- دوسوگرا و اجتنابی با رفتارهای پرخطر رابطه مثبت دارند (محمدعلی پور و همکاران، ۱۳۸۹).

از دیگر عوامل روانشناختی محافظت‌کننده مؤثر در عدم گرایش نوجوانان به رفتارهای پرخطر، میزان برخورداری از نشاط ذهنی است (قنبری طلب و شیخ الاسلامی، ۱۳۹۴). نشاط ذهنی^۲ عبارت است از تجارب درونی سرشار از انرژی و داشتن انرژی ذهنی و بدنی لازم برای تجربه کردن حس شوق، سرزندگی و انرژی که از احساساتی نظیر آزادی، داشتن حق استقلال و انگیزش درونی سرچشمه می‌گیرد (رایان و دسی، ۲۰۰۸).

چنانچه ملاحظه می‌شود تحقیقاتی وجود دارد که نشان می‌دهند سبک‌های دلبستگی ناایمن (محمدعلی پور و همکاران، ۱۳۸۹)، راهبردهای ناکارآمد تنظیم شناختی هیجان (میرزائی فیض‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۹) و همچنین عدم ارضای نیازهای بنیادی روانشناختی (اسماعیلی شهناء و همکاران، ۱۳۹۹) نقش تعیین‌کننده‌ای در جلوگیری از گرایش نوجوانان به رفتارهای پرخطر دارند؛ بنابراین، پیش‌بینی عواملی که نقش محافظت‌کننده در بروز رفتارهای پرخطر دارند، از اهمیت بالایی برخوردار است. به علاوه، بررسی رفتارهای پرخطر در نوجوانی از نظر پیامدهایی که برای زندگی، سلامتی و رشد روانی اجتماعی آنان به همراه دارد. از جمله مشکلات روانشناختی مانند افسردگی، مرگ زودرس، بیماری‌های جنسی، انگیزه پایین تحصیلی و شکست تحصیلی و درگیری در جرائم گوناگون از دیگر

انطباقی تقسیم‌بندی کردند. راهبردهای غیر انطباقی تنظیم شناختی هیجان دربرگیرنده فاجعه انگاری، خود سرزنشگری، نشخوار فکر، سرزنش دیگری و راهبردهای انطباقی دربرگیرنده تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، پذیرش و دیدگاه‌گیری می‌باشند. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد بین راهبردهای تنظیم شناختی هیجان با رفتارهای پرخطر نوجوانان ارتباط وجود دارد (محمدی، تنها و رحمانی، ۱۳۹۴)؛ برای مثال، اردو بادی و محمدی سوره (۱۳۹۶) نشان دادند که راهبردهای تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، فاجعه‌انگاری، ارزیابی مجدد مثبت، پذیرش، نشخوار فکری و خود سرزنشگری توانایی پیش‌بینی رفتارهای پرخطر را در بین دانشجویان دارد.

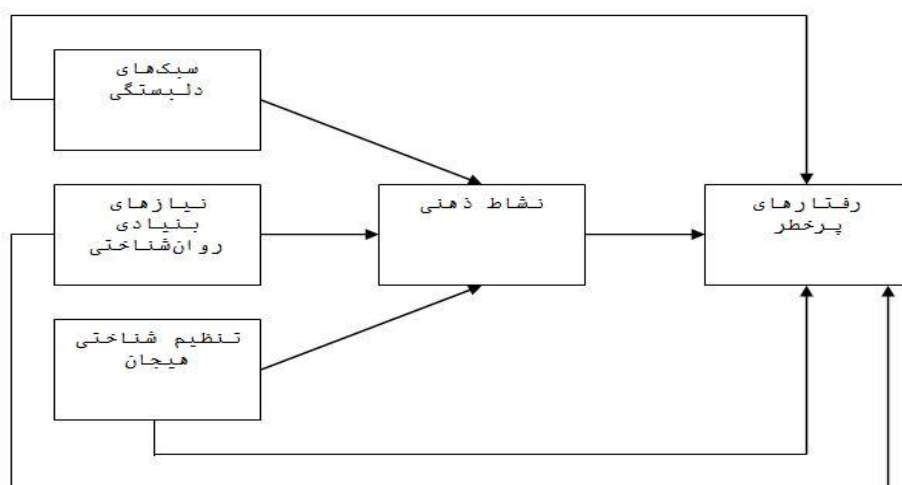
دیگر عامل مؤثر در بروز رفتارهای پرخطر نوجوانان داشتن سبک‌های دلبستگی^۱ ناایمن است (محمدعلی پور، پور، رستمی و قائم‌مقامی، ۱۳۸۹) دلبستگی به تجارب اولیه فرد با والدین و یا نوع والدین خود در دوران کودکی اشاره دارد و به سه دسته دلبستگی ایمن، ناایمن اجتنابی و ناایمن دوسوگرا تقسیم شده است (عزیزی و بیرانوند، ۱۳۹۷). کودکان با دلبستگی ایمن از والدین به عنوان پایگاه امنی برای اکتشاف محیط استفاده می‌کنند و در اکثر موقعیت‌ها احساس راحتی و امنیت می‌کنند. کودکان دوسوگرا به راحتی نمی‌توانند به اکتشاف و دستکاری در محیط پردازند و همچنین آن‌ها به لحاظ خلق در برابر تنیدگی‌ها آسیب‌پذیرترند. کودکان ناایمن اجتنابی در عواطف خود نسبت به مادر بی‌تفاوت هستند و به نظر می‌رسد اهمیت روابط دلبستگی با مادر را انکار می‌کنند (بیرانوند، عزیزی و دهقان منشادی، ۱۳۹۵). یک

^۲- Mental vitality

^۱- Attachment styles

در نوجوانان دختر انجام شد. از این‌رو، در این پژوهش ما چنین فرض کردیم که ارضای نیازهای بنیادی روانشناختی، تنظیم شناختی هیجان و سبک‌های دلبستگی با توجه به نقش میانجی نشاط ذهنی، توانایی پیش‌بینی رفتارهای پرخطر را دارد؛ لذا مدل مفهومی در نمودار ۱ ارائه شد.

ضرورت‌های انجام این پژوهش به شمار می‌رود (واممقی و همکاران، ۱۳۹۶). همچنین، به نظر می‌رسد در خصوص تعیین ارتباط متغیرهای مذکور با توجه به نقش میانجی نشاط ذهنی پژوهشی در کشور ما صورت نگرفته است؛ لذا، پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی رفتارهای پرخطر بر اساس ارضای نیازهای بنیادی روانشناختی، تنظیم شناختی هیجان و سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری نشاط ذهنی



نمودار ۱ مدل مفهومی پژوهش

مشارکت‌کننده وجود داشته باشد (گال، بورگ و گال^۱، ۲۰۲۱)؛ لذا در این پژوهش تعداد ۲۸۲ دانش‌آموز با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. بدین ترتیب که از بین نواحی پنج‌گانه آموزش و پرورش شهر تبریز تعداد ۲ ناحیه به صورت تصادفی انتخاب و از هر ناحیه تعداد ۲ مدرسه به صورت تصادفی مشخص شدند و از هر پایه تحصیلی هر مدرسه تعداد ۱ کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد. معیارهای ورود به پژوهش عبارت بودند از: تحصیل در دوره دوم مقطع متوسطه، جنسیت دختر (صرف‌نظر از

روش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی با توجه به ماهیت، توصیفی-پیمایشی بود و با توجه به اینکه تعیین نقش متغیر میانجی مدنظر بود، این پژوهش از نوع تحلیل مسیر بود. جامعه آماری پژوهش دربرگیرنده کلیه دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر تبریز در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ بود که در مدارس دولتی مشغول به تحصیل بودند. ضمن اینکه اجرای پژوهش پیش از اعلام رسمی شروع همه‌گیری کرونا در ایران بود. با توجه به اینکه برای اعتبار روش همبستگی در مطالعات علوم اجتماعی به ازای هر متغیر پیش‌بین می‌بایست حدود ۱۵

^۱ - Gall, Borg & Gall

رشته تحصيلى)؛ درحالى كه عدم موافقت دانش آموزان براى شركت در پژوهش و همچنين عدم تكميل پرسشنامه ها، معيارهاى خروج از پژوهش را تشكيل مى دادند.

به منظور انتخاب نمونه و اجراى پژوهش، پس از صدور مجوز از سوى دانشگاه آزاد اسلامى واحد تبريز و موافقت مسئولين ذى ربط به آموزش و پرورش شهر تبريز مراجعه شد. پس از مشخص كردن نواحى و مدارس مربوط، متناسب با حجم نمونه با دانش آموزانى كه معيارهاى ورود به پژوهش را داشتند، هماهنگى هاى لازم به عمل آمد. سپس، روش و چگونگى اجراى كار براى تك تك شركت كنندگان توضيح داده شد و رضايست آنها كسب گرديد. به منظور رعايت اصول اخلاقى، فرم موافقت براى همكارى در پژوهش توسط آنها تكميل شد و پژوهشگر به آنها اطمينان داد كه كليۀ مطالب ارائه شده در نتايج پرسشنامه ها محرمانه خواهد بود. داده ها با استفاده از روش هاى آمار توصيفى و استنباطى در نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ و Lisrel نسخه ۸ مورد تجزيه و تحليل قرار گرفتند.

ابزار

پرسشنامه خطرپذيرى نوجوانان ايرانى^۱ (IARTS): اين پرسشنامه توسط زاده محمدى، احمدآبادى و حيدرى در سال ۱۳۹۰ به منظور سنجش رفتارهاى پرخطر نوجوانان طراحى شد و داراى ۳۸ سؤال است كه از هفت خرده مقياس گرايش به مواد مخدر^۲، گرايش به الكل^۳، گرايش به سيگار^۴، گرايش به خشونت^۵، گرايش به رابطه و رفتار

جنسى^۶، گرايش به رابطه با جنس مخالف^۷ و گرايش به رانندگى خطرناك^۸ تشكيل شده كه در يك طيف ليكرت پنج درجه اى (كاملاً موافق=۴ تا كاملاً مخالف=۰) نمره گذارى مى شود. دامنه نمرات پرسشنامه بين ۰ تا ۱۵۲ قرار دارد. زاده محمدى و همكاران (۱۳۹۰)، پايابى خرده مقياس ها را به وسيلۀ ضريب آلفاى كرونباخ براى خرده مقياس هاى گرايش به مواد مخدر ۰/۹۰، گرايش به الكل ۰/۹، گرايش به سيگار ۰/۹۳، گرايش به خشونت ۰/۷۸، گرايش به رابطه و رفتار جنسى ۰/۸۷، گرايش به رابطه با جنس مخالف ۰/۸۳ و گرايش به رانندگى خطرناك ۰/۷۴ بدست آوردند. در اين پژوهش، اعتبار پرسشنامه خطرپذيرى نوجوانان ايرانى توسط ۴ نفر از اساتيد دانشگاه تبريز در طى دو مرحله مورد مطالعه و تأييد قرار گرفت و پايابى كل اين پرسشنامه توسط روش همبستگى درونى با محاسبه كرونباخ ضريب آلفاى كرونباخ ۰/۷۳ بدست آمد.

مقياس نيازهاى بنيادى روانشناختى^۹ (BPNS): اين مقياس توسط گوارديا^{۱۰}، دسى و راين در سال ۲۰۰۰ جهت ارزشيابى ميزان احساس حمايت از سه نياز اساسى روانشناختى ساخته شد و از ۲۱ سؤال و سه خرده مقياس خودمختارى^{۱۱}، شايستگى^{۱۲} و ارتباط^{۱۳} تشكيل يافته كه در يك طيف ليكرت ۷ درجه اى (اصلاً درست نيست=۱، بسيار درست است=۷) اندازه گيرى مى شود. دامنه نمرات پرسشنامه بين ۲۱ تا ۱۴۷ قرار دارد (گوارديا و همكاران، ۲۰۰۰). گوارديا و همكاران (۲۰۰۰)، ضرايب پايابى كل

^۶- Tendency to relationship and sexual behavior
^۷- Tendency to relationship with the opposite gender
^۸- Tendency to dangerous driving
^۹- Basic Psychological Needs Scale
^{۱۰}- Guardia
^{۱۱}- Autonomy
^{۱۲}- Competence
^{۱۳}- Communication

^۱- Iranian Adolescents Risk-Taking Scale
^۲- Tendency to drugs
^۳- Tendency to alcohol
^۴- Tendency to cigarettes
^۵- Tendency to violence

پرسشنامه دلبستگی بزرگسال توسط ۴ نفر از اساتید دانشگاه تبریز در طی دو مرحله مورد مطالعه و تأیید قرار گرفت و پایایی کل این پرسشنامه توسط روش همبستگی درونی با محاسبه کرونباخ ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۱ بدست آمد.

پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان^۶ (CERQ): این پرسشنامه پرسشنامه توسط گارنفسکی، کرایچ و اسپینون^۷ در سال ۲۰۰۱ به منظور ارزیابی نحوه تفکر بعد از تجربه رخدادهای تهدیدکننده یا تنیدگی‌زای زندگی تهیه شد. این پرسشنامه دارای ۳۶ سؤال و ۴ خرده مقیاس فاجعه‌انگاری^۸، خود سرزنشگری^۹، نشخوار فکر^{۱۰} و سرزنش دیگری^{۱۱} است که راهبردهای منفی را ارزیابی می‌کند. همچنین ۵ خرده مقیاس تمرکز مجدد مثبت^{۱۲}، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی^{۱۳}، ارزیابی مجدد مثبت^{۱۴}، پذیرش^{۱۵} و دیدگاه‌گیری، راهبردهای مثبت را ارزیابی می‌کند. این پرسشنامه براساس یک طیف لیکرت پنج درجه‌ای (۱-۵) از هرگز تا همیشه نمره‌گذاری می‌شود. دامنه نمرات بین ۳۶ تا ۱۸۰ می‌باشد و نمره بالاتر نشان‌دهنده استفاده بیشتر فرد از آن راهبرد شناختی بود. پایایی این پرسشنامه در مطالعه گارنفسکی و همکاران (۲۰۰۱)، با استفاده از روش آلفای کرونباخ در خرده مقیاس‌ها بین ۰/۶۲ تا ۰/۸۰ گزارش شد. به علاوه، این پرسشنامه از اعتبار و پایایی مناسبی برای استفاده در فرهنگ ایرانی برخوردار است و اعتبار و پایایی آن در جمعیت‌های متعدد بررسی و مورد تأیید قرار گرفت. برای

مقیاس در اجرا بر روی مادر، پدر، شریک رمانتیک و دوستان به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۹۲، ۰/۹۳ و ۰/۹۲ محاسبه شد. جوکار، فرهادی و دلفان (۱۳۹۷)، پایایی خرده مقیاس‌های خودمختاری، شایستگی و ارتباط را به وسیله ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۵۱، ۰/۶۹ و ۰/۸۱ بدست آوردند. در این پژوهش اعتبار مقیاس نیازهای بنیادی روانشناختی توسط ۴ نفر از اساتید دانشگاه تبریز در طی دو مرحله مورد مطالعه و تأیید قرار گرفت و پایایی کل این پرسشنامه توسط روش همبستگی درونی با محاسبه کرونباخ ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۲ بدست آمد.

پرسشنامه دلبستگی بزرگسال^۱ (AAI): این پرسشنامه توسط بشارت در سال ۱۳۸۴ با استفاده از مواد پرسشنامه دلبستگی هازن و شیور^۲ با هدف بررسی میزان دلبستگی افراد ساخته شد و ۱۵ سؤال دارد که سه سبک دلبستگی ایمن^۳، اجتنابی^۴ و دوسوگرا^۵ را در طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در خرده مقیاس‌های آن به ترتیب ۵ و ۲۵ هست (بشارت، ۱۳۸۴). بشارت (۱۳۸۴) ضرایب آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای کل آزمودنی‌ها را به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۴ و ۰/۸۵ برآورد کرد که بیانگر همسانی درونی مطلوب پرسشنامه است. ضرایب همبستگی در دو نوبت با فاصله چهار هفته برای سنجش پایایی بازآزمایی برای خرده مقیاس‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را نیز برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۳ و ۰/۸۴ برآورد کرد. در این پژوهش اعتبار

^۶- Cognitive Emotion Regulation Questionnaire

^۷- Spinhoven

^۸- Catastrophic

^۹- Self-blame

^{۱۰}- Ruminant thought

^{۱۱}- Another blame

^{۱۲}- Positive refocusing

^{۱۳}- Refocus on planning

^{۱۴}- Positive re-evaluation

^{۱۵}- Reception

^۱- Adult Attachment Inventory

^۲- Hazen & Shaver

^۳- Secure attachment

^۴- Avoidance

^۵- Ambivalent

شرکت کردند که ۱۰۳ نفر (۳۶/۴٪) در پایه تحصیلی دهم، ۱۱۱ نفر (۳۹/۴٪) در پایه تحصیلی یازدهم و ۶۸ نفر (۲۴/۱٪) در پایه تحصیلی دوازدهم در حال تحصیل بودند؛ ۶۶ نفر (۳۴/۴٪) در رشته تجربی، ۵۱ نفر (۱۸/۱٪) در رشته ریاضی و ۱۶۵ نفر (۵۸/۵٪) در رشته انسانی مشغول به تحصیل بودند. ۲ نفر (۰/۷٪) ۱۵-۱۶ سال سن، ۷۶ نفر (۲۷٪) ۱۶-۱۷ سال سن، ۱۸۵ نفر (۶۵/۶٪) ۱۷-۱۸ سال سن و ۱۹ نفر (۶/۷٪) بیش از ۱۸ سال سن داشتند. آماره‌های توصیفی متغیرهای رفتارهای پرخطر، نیازهای بنیادی روانشناختی، تنظیم شناختی هیجان و سبک دلبستگی و نشاط ذهنی در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱ آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش		
متغیر	میانگین	انحراف معیار
رفتارهای پرخطر	۲۲/۳۶	۶/۳۵
ارضای نیازهای بنیادی روانشناختی	۹۶/۵۲	۱۶/۴۱
تنظیم شناختی هیجان	۱۰۸/۴۶	۱۵/۹۸
سبک دلبستگی	۳۹/۴۱	۶/۰۲
نشاط ذهنی	۳۲/۸۶	۸/۳۶

چنانچه در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، از میان متغیرهای پژوهش بیشترین و کمترین میانگین به ترتیب مربوط به تنظیم شناختی هیجان و رفتارهای پرخطر می‌باشد. نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای رفتارهای پرخطر با ارضای نیازهای بنیادی روانشناختی، تنظیم شناختی هیجان، سبک‌های دلبستگی و نشاط ذهنی در جدول ۲ ارائه شده است.

مثال، ساسان‌پور و عزیزی (۱۳۹۶) ضریب پایایی کل پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ در جمعیت زندانیان ۰/۸۳ گزارش کردند. در این پژوهش، اعتبار پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان توسط ۴ نفر از اساتید دانشگاه تبریز در طی دو مرحله مورد مطالعه و تأیید قرار گرفت و پایایی کل این پرسشنامه توسط روش همبستگی درونی با محاسبه کرونباخ ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۳ بدست آمد.

پرسشنامه نشاط ذهنی (MVQ) این پرسشنامه توسط رایان و فردریک^۲ در سال ۱۹۹۷ به منظور سنجش انرژی و نشاط کنونی افراد ساخته شد و دارای ۷ سؤال است که در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (کاملاً موافق=۵ تا کاملاً مخالف=۱) نمره‌گذاری می‌شود. دامنه نمرات این پرسشنامه بین ۷ تا ۳۵ قرار دارد و کسب نمرات بالاتر در این پرسشنامه بیانگر نشاط ذهنی بالا هست. رایان و فردریک (۱۹۹۷)؛ به نقل از خلیلی تجربه و احمدیان، (۱۳۹۸) پایایی کل این مقیاس را با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ گزارش کردند. خلیلی تجربه و احمدیان (۱۳۹۸)، نیز پایایی کل پرسشنامه را با استفاده از همین روش ۰/۸۰ برآورد کردند. در این پژوهش، اعتبار پرسشنامه نشاط ذهنی توسط ۴ نفر از اساتید دانشگاه تبریز در طی دو مرحله مورد مطالعه و تأیید قرار گرفت و پایایی کل این پرسشنامه توسط روش همبستگی درونی با محاسبه کرونباخ ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۰ بدست آمد.

یافته‌ها

در این پژوهش ۲۸۲ دانش‌آموزان دختر دبیرستانی

^۱- Mental Vitality Questionnaire

^۲- Ryan & Frederick

جدول ۲ ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

معیار	۱	۲	۳	۴	۵
۱. ارضای نیازهای بنیادی روانشناختی					
۲. تنظیم شناختی هیجان	۰/۱۱۶				
۳. سبک‌های دلبستگی	-۰/۳۳۸**	۰/۰۰۵			
۴. نشاط ذهنی	۰/۵۱۳**	۰/۱۳۴*	-۰/۱۹۹**		
۵. رفتارهای پرخطر	-۰/۲۳۰**	۰/۰۱۰	۰/۲۴۷**	-۰/۳۱۳**	

به عنوان تخطی از این پیش‌فرض محسوب گردد، چرا که هیچ پسماند استاندارد بیشتری از ۳/۳ و کمتر از ۳/۳- وجود نداشت؛ لذا داده پرتی در توزیع داده‌ها وجود نداشت. نرمال بودن توزیع نمرات نیز با استفاده از آزمون کالموگروف- اسمیرنف برای متغیرها مورد بررسی قرار گرفت؛ چنانچه، آماره‌های آزمون کالموگروف- اسمیرنف برای رفتارهای پرخطر برابر با ۰/۱۱۷، ارضای نیازهای بنیادی روانشناختی برابر با ۰/۰۳۵، تنظیم شناختی هیجان برابر با ۰/۰۴۱، سبک‌های دلبستگی برابر با ۰/۰۵۸ و نشاط ذهنی برابر با ۰/۱۱۶ بود و در سطح $p > ۰/۰۵$ غیر معنادار بود؛ لذا، توزیع نمرات نرمال بود. نتایج حاصل از برازش پیشنهادی و نهایی مدل مفهومی پژوهش در جدول ۳ ارائه شده است.

چنانچه در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، بین رفتارهای پرخطر با متغیرهای ارضای نیازهای بنیادی روانشناختی ($r = -۰/۲۳۰$, $P = ۰/۰۰۱$) و نشاط ذهنی ($r = -۰/۳۱۳$, $P = ۰/۰۰۱$) رابطه منفی و معنادار و بین رفتارهای پرخطر با سبک‌های دلبستگی ($r = ۰/۲۴۷$, $P = ۰/۰۰۱$) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ در حالی که بین رفتارهای پرخطر با متغیر تنظیم شناختی هیجان ($r = ۰/۰۱۰$, $P = ۰/۸۶۱$) رابطه‌ای وجود ندارد.

با توجه به قدر مطلق ضریب چولگی کمتر از ۳ و ضریب کشیدگی کمتر از ۱۰، تمام متغیرهای پژوهش مفروضه بهنجاری را رعایت کرده‌اند. به علاوه، مشخص شد پس ماند‌ها، توزیعی تقریباً مستطیلی شکل داشتند و داده‌های پرت موجود در نمودار پراکندگی کمتر از آن است که

جدول ۳ شاخص‌های برازش مدل مفهومی پژوهش

شاخص‌های برازش	χ^2	df/χ^2	RMSEA	GFI	AGFI	RMR	NFI
الگوی پیشنهادی	۵/۱۴۷	۱/۴۰	۰/۱۰۵	۰/۷۷۱	۰/۸۴۰	۰/۰۱۵	۰/۸۵۶
الگوی نهایی	۱/۰۹	۲/۶۳	۰/۰۷۶	۰/۹۲۶	۰/۹۷۱	۰/۰۰۶	۰/۹۱۱

بنابراین می‌توان ضرایب رگرسیونی بین متغیرهای پژوهش را مورد آزمون قرار داد. در این راستا، جدول ۴ ضرایب رگرسیونی متغیرها و سطوح معناداری مدل نهایی را نشان می‌دهد.

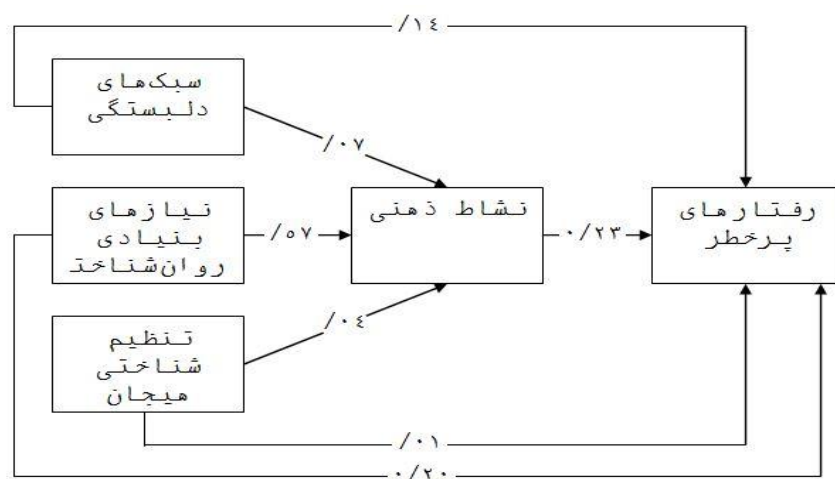
براساس نتایج مندرج در جدول ۳، مقدار χ^2 کوچکتر از ۲، مقدار df/χ^2 بین ۱ تا ۳، مقدار RMSEA کوچکتر از ۰/۱، مقدار GFI بالای ۰/۹، مقدار AGFI بالای ۰/۹، مقدار RMR نزدیک صفر و مقدار NFI ۰/۰۱ بزرگتر از ۰/۹ حاکی از برازش قابل پذیرش مدل می‌باشد.

جدول ۴ ضرایب رگرسیونی و سطوح معنی داری مدل نهایی پژوهش

رابطه	ضریب	t	سطح معناداری	تأثیر گذاری
ارضای نیازهای بنیادی روان شناختی < رفتارهای پرخطر	-۰/۲۰	-۲/۱۶	۰/۰۰۱	مستقیم
تنظیم شناختی هیجان < رفتارهای پرخطر	۰/۰۱	۰/۲۱	۰/۸۴۷	مستقیم
سبک های دلبستگی < رفتارهای پرخطر	۰/۱۴	۲/۱۲	۰/۰۰۱	مستقیم
ارضای نیازهای بنیادی روان شناختی < نشاط ذهنی < رفتارهای پرخطر	۰/۵۷	۹/۳۱	۰/۰۰۴	غیرمستقیم

مستقیم مثبت و معناداری دارد ($P=0/001$). همچنین متغیر ارضای نیازهای بنیادی روان شناختی به طور غیرمستقیم و با میانجی گری نشاط ذهنی با رفتارهای پرخطر ارتباط مثبت و معنادار دارد ($P=0/004$). در نمودار ۲ مدل نهایی پژوهش به همراه ضرایب رگرسیونی آن ها ارائه شده است.

نتایج حاصل در جدول ۴ نشان می دهد که متغیر ارضای نیازهای بنیادی روان شناختی با متغیر رفتارهای پرخطر ارتباط مستقیم منفی و معناداری دارد ($P=0/001$)؛ در حالی که متغیر تنظیم شناختی هیجان هیچگونه ارتباط مستقیم معناداری با رفتارهای پرخطر ندارد ($P=0/847$) و سبک های دلبستگی با متغیر رفتارهای پرخطر ارتباط



نمودار ۲ مدل نهایی پیش بینی رفتارهای پرخطر براساس ارضای نیازهای بنیادی روان شناختی، تنظیم شناختی هیجان و سبک های دلبستگی با میانجی گری نشاط ذهنی

پرخطر با سبک های دلبستگی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد؛ بدین معنا که با افزایش و یا کاهش رفتارهای پرخطر، سبک های دلبستگی نیز افزایش و یا کاهش می یابد.

این یافته مطالعه حاضر مبنی بر وجود رابطه مثبت بین رفتارهای پرخطر با سبک های دلبستگی با نتایج پژوهش

بحث

این پژوهش با هدف پیش بینی رفتارهای پرخطر براساس ارضای نیازهای بنیادی روان شناختی، تنظیم شناختی هیجان و سبک های دلبستگی با میانجی گری نشاط ذهنی در نوجوانان دختر انجام شد. مطابق با اولین بخش از یافته های این پژوهش مشخص شد که بین رفتارهای

محمدعلی پور و همکاران (۱۳۸۹) همسو می‌باشد که در پژوهش خود نشان دادند که سبک دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا و اجتنابی با رفتارهای پرخطر رابطه مثبتی دارند؛ همچنین یافته مذکور پژوهش حاضر، با نتایج مطالعات رضائی و همکاران (۱۳۹۸) مبنی بر ارتباط مثبت بین سبک دلبستگی ناایمن با رفتارهای پرخطر و همچنین جوادی و همکاران (۱۳۹۵) مبنی بر ارتباط مثبت بین سبک‌های دلبستگی ناایمن و دوسوگرا با رفتارهای پرخطر همسو است. نوجوانان دارای سبک دلبستگی دوسوگرا به دلیل آشفتگی در سبک دلبستگی خود، نیاز شدیدی به جنبه‌های عاطفی و صمیمت هیجانی دارند و ترس دائم از طرد شدن از سوی دیگران، باعث می‌شود مکرراً شایستگی و توانایی انطباق عملکرد آن‌ها تحت تأثیر قرار گیرد و رفتارهای پرخطر آن‌ها افزایش یابد. نوجوانان با سبک دلبستگی اجتنابی نیز در برابر دیگران به راحتی منقلب نمی‌شوند و احتیاط اندکی نشان می‌دهند و در عواطف خود نسبت به دیگران بی‌تفاوتند و اهمیت روابط دلبستگی را انکار می‌کنند که این ویژگی‌ها باعث می‌شود رفتارهای پرخطر بیشتری انجام دهند؛ اما این بخش از یافته‌های مطالعه پژوهش محمدعلی پور و همکاران (۱۳۸۹) مبنی بر وجود رابطه منفی بین سبک دلبستگی ایمن با رفتارهای پرخطر با این یافته پژوهش حاضر در تضاد است. در تبیین تضاد حاضر می‌توان به این نکته اشاره کرد که کودکان با دلبستگی ایمن از والدین به عنوان پایگاه امنی برای اکتشاف محیط استفاده می‌کنند و در اکثر موقعیت‌ها احساس راحتی و امنیت می‌کنند و تجسمی مثبت، حمایتگر و پاسخ‌دهنده از مادر خود دارند؛ لذا به همین دلیل درگیر رفتارهای پرخطر نمی‌شوند.

همچنین این مطالعه نشان داد که رفتارهای پرخطر با ارضای نیازهای روانشناختی و نشاط ذهنی رابطه منفی و معنی‌داری دارند؛ بدین معنا که هرچه رفتارهای پرخطر افزایش یابد، ارضای نیازهای بنیادی روانشناختی و نشاط ذهنی کاهش می‌یابد؛ در خصوص این یافته‌ها مطالعه مشابهی مشاهده نشد؛ لذا، ناگزیر محققان نتایج حاصل از مطالعه خود را با تحقیقات مشابه مقایسه می‌کنند. برای مثال، هم‌راستا با این یافته پژوهش حاضر لی و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند وقایع استرس‌زای زندگی با رفتار پرخطر اعتیاد نوجوانان به اینترنت رابطه دارد و ارضای نیازهای روانشناختی این ارتباط را تعدیل می‌کند. مطابق با نظر دسی و رایان (۲۰۰۸) از بین عوامل فردی که در بروز و شکل‌گیری رفتارهای پرخطر افراد نقش دارند، نیازهای بنیادی روانی از مهم‌ترین منابع درون فردی هستند که اگر به نحو مطلوبی ارضا شوند نقش محافظت‌کننده در مقابل بسیاری از آسیب‌های رفتاری دارند. این موضوع در خصوص نشاط ذهنی نیز صادق است. چنانچه هرچه احساس ذهنی سرزندگی و پرنرژی بودن که از احساساتی چون آزادی، داشتن حق استقلال و انگیزش درونی سرچشمه می‌گیرد، افزایش یابد رفتارهای پرخطر کاهش می‌یابد.

مطابق با دیگر یافته این پژوهش مشخص شد که بین تنظیم شناختی هیجان با رفتارهای پرخطر رابطه‌ای وجود ندارد. این یافته با بسیاری از نتایج تحقیقات پیشین در تضاد است، چرا که مطالعات میرزایی فیض‌آبادی و همکاران (۱۳۹۸)؛ محمدی و همکاران (۱۳۹۴) و اردوبادی و محمدی سوره (۱۳۹۶) نشان داده‌اند که بین راهبردهای تنظیم شناختی هیجان با رفتارهای پرخطر نوجوانان ارتباط معنی‌داری وجود دارد. مطابق با نظر

ارضای مناسب نیازهای بنیادی روانشناختی به واسطه تغییر نشاط ذهنی، انتظار کاهش رفتارهای پرخطر نوجوانان را داشت.

نتیجه‌گیری

ارضای نیازهای بنیادی روانشناختی با توجه به نقش میانجی نشاط ذهنی توانایی پیش‌بینی رفتارهای پرخطر را دارد؛ لذا به نظر می‌رسد نتایج این پژوهش تلویحات مهمی در زمینه روابط علت و معلولی به همراه داشته باشد و این یافته‌ها می‌تواند در پیشگیری مؤثر از رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان دختر کمک‌کننده باشد. استفاده از ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات به صورت خودگزارشی، عدم در نظر گرفتن سایر متغیرهای میانجی در رابطه بین ارضای نیازهای بنیادی روانشناختی، تنظیم شناختی هیجان و سبک‌های دلبستگی با رفتارهای پرخطر محدودیت‌هایی این پژوهش را تشکیل می‌دادند؛ لذا، پیشنهاد می‌شود سایر محققان علاقمند به این حوزه، از سایر روش‌های گردآوری اطلاعات (برای مثال مصاحبه‌های رفتاری) استفاده کنند و از متغیرهای میانجی (به عنوان مثال، بهزیستی روانشناختی) در بررسی روابط بین متغیرها بهره بگیرند. به علاوه، به مراقبان حوزه سلامت و بهداشت روانی پیشنهاد می‌شود احتمال وجود نقش میانجی نشاط ذهنی را در ارتباط بین ارضای نیازهای بنیادی روانشناختی، تنظیم شناختی هیجان و سبک‌های دلبستگی با رفتارهای پرخطر در میان دانش‌آموزان دختر دوم متوسطه در نظر بگیرند تا در کنار درمان مشکلات ناشی از بروز رفتارهای پرخطر، به نشاط ذهنی به عنوان یک عامل مؤثر که رفتارهای پرخطر را میانجی‌گری می‌کند، توجه نمایند.

سپاسگزاری

گارفنسکی و کرایچ (۲۰۱۸) راهبردهای مثبت تنظیم هیجان نقش محافظتی و راهبردهای منفی نقش تشدیدکننده‌ای در بروز اختلالات روانی را دارند. در حالی که رفتارهای پرخطر به عنوان اختلالات و مشکلات روانی در نظر گرفته نمی‌شوند و صرفاً این دسته از رفتارها پیامدهای منفی روانشناختی را در آینده پیش‌بینی می‌کنند. از قبیل سوءمصرف مواد، وابستگی به الکل و حاملگی زودرس، ابتلاء به بیماری‌های مقاربتی، ترک تحصیل، فرار از مدرسه و انزوا (رادمهر و حسین خانزاده، ۱۳۹۷). لذا، این دسته از رفتارها به‌خودی‌خود اختلال روانی شمرده نمی‌شوند و به همین جهت ارتباطی با رفتارهای پرخطر مطابق با یافته‌های پژوهش حاضر مشاهده نشد.

براساس آخرین و مهم‌ترین یافته این پژوهش مشخص شد که از میان متغیرهای ارضای نیازهای بنیادی روانشناختی، تنظیم شناختی هیجان و سبک‌های دلبستگی، صرفاً ارضای نیازهای بنیادی روانشناختی با توجه به نقش میانجی نشاط ذهنی، توانایی پیش‌بینی رفتارهای پرخطر را دارد. در خصوص این مطالعه به طور کلی پژوهش مشابهی یافت نشد؛ لذا پژوهشگران تنها به تبیین این یافته‌ها بسنده می‌کنند. چنانچه بدان اشاره شد نیازهای بنیادی روانشناختی، به دلایل مختلف، از جمله ثبات و استحکام آن‌ها در طول زمان، تأثیرات عمیق و اساسی آن‌ها بر رفتار و شخصیت نوجوانان، نقش بازدارندگی در مقابل رفتارهای پرخطر را دارند که این نقش به واسطه نشاط ذهنی میانجی‌گری می‌شود؛ بدین معنا که هنگامی که نشاط ذهنی تغییر یابد، روابط بین رفتارهای پرخطر نیز حداقل با یکی از خرده مقیاس‌های ارضای نیازهای بنیادی روانشناختی نیز تغییر خواهد کرد و حتی ممکن است با

Gall MD, Borg WR, Gall JP. (2021). Educational research: an introduction. 13nd ed. USA: Longman Publishing, 451-452.

Gamefski N, Kraaij V, Spinhoven P. (2001). Negative life events, cognitive emotion regulation and emotional problems. *Personality and Individual Differences*, 30, 1311-1327.

Gamefski N, Kraaij V. (2018). Specificity of relations between adolescent's cognitive emotion regulation strategies and symptoms of depression and Anxiety. *Cognition and Emotion*, 32(7), 1401-1408.

Ghanbari Talab M, Sheikholeslami R. (2015). The relationship between emotional intelligence and mental vitality with self-efficacy of payame noor students. *Growth Psychology*, 4(3), 66-75. (In Persian)

Gross JJ. (2015). Emotion regulation: current status and future prospects. *Psychol. Inqu*, 26, 1-26.

Guardia GJ, Deci EL, Ryan R. (2000). Withinperson variation in security of attachment: A self-theory perspective on attachment, Need Fulfillment and wellbeing. *Journal of personality and social psychology*, 79(8), 84-367.

Javadi B, Zaboli P, Allahverdi N. (2016). Predicting risky behaviors based on the resiliency and attachment styles of adolescents girls of second high school in shahriyar city. *Journal of Policing and Social Studies of Women & Family*, 6, 101-118. (In Persian)

Jokar F, Farhadi M, Delfan A. (2018). Prediction of subjective well-being based on cognitive emotion regulation strategies, defensive styles, honesty and psychological needs. *Quarterly Journal of Psychological Studies*, 14(51), 57-73. (In Persian)

Khalili Tajareh R, Ahmadiyan H. (2019). Investigating the relationship between optimism and subjective vitality with the mediating role of resilience among elderly people. *Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry*, 6(2), 149-160. (In Persian)

Li D, Zhang W, Li X, Zhou Y, Zhao L, Wang Y. (2016). Stressful life events and adolescent Internet addiction: The mediating role of

مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهش مصوب شورای پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز به کد اخلاق IR.IAU.TABRIZ.REC.1398.012 است.

نویسندگان بر خود لازم می‌بینند از کلیه شرکت‌کنندگان در این پژوهش تقدیر و تشکر به عمل آورند.

References

- Alizadegani F, Akhavan Tafti M, Khademi M. (2017). Investigating the causes of tendency to high-risk behaviors in high school male students in Tehran. *Social Order*, 9(2), 103-128. (In Persian)
- Ardobay SH, Mohamadi Sore F. (2017). The effect of cognitive emotion regulation strategies on high-risk behaviors of adolescents and young people. *Journal of Social Science Studies*, 3(2), 18-24. (In Persian)
- Azizi A, Beyranvand H. (2018). The relationship between attachment styles with marital satisfaction among nurses. *Iranian Journal of Rehabilitation Research in Nursing*, 18(2), 8-14. (In Persian)
- Besharat MA. (2013). Adult attachment inventory: questionnaire, instruction and Scoring Key (Persian Version). 9(3), 20-317. (In Persian)
- Beyranvand H, Azizi A, Dehghan Manshadi SM. (2016). Relationship between attachment styles and spiritual intelligence and marital satisfaction in married female teachers. *J Mazandaran Univ Med Sci*, 26(135), 52-149. (In Persian)
- Deci EL, Olafsen AH, Ryan RM. (2017). Self-Determination theory in work organization: The state of a science. *Annu Rev Organ Psychol Organ Behav*, 4, 19-43.
- Esmaili Shahna M, Shalchi B, Ahmadi E. (2020). The mediating role of satisfaction of basic psychological needs in relationship between family functioning and Socioeconomic Status with Addictibility of Young People. *Journal of Modern Psychological Researches*, 15(57), 34-49. (In Persian)

- psychological needs satisfaction and the moderating role of coping style. *Computers in Human Behavior*, 63, 408-415.
- Livazovic G. (2017). Role of family, peers and school in Externalised adolescent risk behavior. *Hrvatska revija za rehabilitacijska inostrazivanja*, 9530, 186-203.
- Mirzaei Feyzabadi S, Molavi E, Taheri N. (2020). The relationship between emotional regulation and cognitive inhibition for tendency to risky behaviors in girl adolescents in Mashhad. 7(52), 123-136. (In Persian)
- Mohammad Alipour Z, Rostami M, Ghaem Maghami M. (2010). The relationship between attachment styles and risky behaviors. *Quarterly Journal of Research on Addiction*, 4(15), 83-90. (In Persian)
- Mohammadi L, Tanha Z, Rahmani S. (2015). The relationship between cognitive emotion regulation strategies and high-risk behaviors perceived through social support. *Journal of Modern Psychological Researches*, 10(39), 87-161.
- Mohammadi R, Sarafraz MR, Ghorbani N. (2017). Comparison of basic psychological needs, social support and stressful events in addicts and non-addicts: gender differences. *Positive Psychology Research*, 3(1), 41-60. (In Persian)
- O'Donohue WT, Benuto LT, Tolle LW. (2013). *Handbook of adolescent health psychology*. 1st ed. New York; Springer Science Business Media Newyork, 9-45.
- Radmehr F, Hosseinkhanzadeh AA. (2018). The role of problem solving skills and self-efficiency in explaining the high risk behaviors of students. *Quarterly Journal of Child Mental Health*, 5(3), 69-157. (In Persian)
- Rezaei H, Hasani J, NorMohamadi M. (2019). The role of attachment in risky behaviors of male high school adolescent students. *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 20(1), 112-121.
- Ryan RM, Deci El. (2008). From ego-depletion to vitality. *Social and Personality Personality of Environmental Development Psychology*, 30, 159-168.
- Samimi Z, Heyrati H, Ramesh S, Kord Tamini M. (2016). Role of academic motivation in high-risk behavior of vulnerable students. *Journal Child Mental Health*, 3(3), 85-95. (In Persian)
- Sasanpour M, Azizi A. (2017). Correlation of alexithymia and positive cognitive emotion regulation strategies in prisoners. *Journal of Police Medicine*, 6(3), 161-166. (In Persian)
- Steinberg L, Icenogle G, Shulman EP, Breiner K, Chein J, Bacchini D & et al. (2018). Around the world, adolescence is a time of hieghtened sensation seeking and immature self-regulation. *Developmental Science*, 21(2), 1-26.
- Vameghi M, Sajjadi H, Ghayed Amini Harounii G, Namdari M. (2017). Predicting Risk Taking Behavior by Exposure to Domestic Violence among Khorram-Abad Adolescents. *Refahj*. 17(65), 171-197. (In Persian)
- Vansteenkiste M, Ryan RM, Soenens B. (2020). Basic psychological need theory: advancements, critical themes, and future directions. *Motivation and Emotion*, 44, 1-31.
- Zadeh Mohammadi A, Ahmadabadi Z, Heidari M. (2011). Construction and assessment of psychometric features of Iranian adolescent's risk-taking scale. *IJPCP*, 17(3), 218-225. (In Persian)